

۴۴. پیام سنگها - بخش دوم

در برنامه گذشته در باره همین موضوع صحبت کردیم. آیه ئی خواندیم از فرمایشات مسیح. هنگامی که جمعیت او را خوشآمد میگفتند، فریسیان به عیسی گفتند که آنها را ساکت کند. ولی مسیح صرفاً جواب داد که «اگر اینها ساکت شوند، سنگها کنار راه بانگ شادی برخوانند آورد!» (لوقا ۱۹: ۴۰).

در بیست و نهمین قرن که از آن زمان میگذرد افرادی پرقدرت سعی کردند کتاب مقدس را از بین ببرند و خوانندگان آن را قتل عام کنند. در همین زمان است که سنگها بصدای بلند فریاد زدند و اتهامات اهریمنی را خاموش کردند. اولین سنگی که میخواستیم ملاحظه کنیم سنگ بیستون است که بیرون شهر

(۱۸۱۰-۱۸۹۵) در سال ۱۸۲۷ میلادی به هندوستان رفت. پس از چند سال علاقه زیادی به خط میخی ایرانیان باستان پیدا کرده، به ایران مسافرت کرد. در سال ۱۸۵۵ از شغلش استعفا داد و تمام وقتش را در شناسائی خط میخی صرف نمود. پس از دو سال توانست تمام خطوط داریوش کبیر را رونوشت کند و پس از آن ۴۰ سال مشغول کشف رمز خط میخی گردید. تمام کتیبه های داریوش کبیر را ترجمه کرد و خط میخی آن دوره تمام امور هخامنشیان را به اطلاع جهانیان رسانید. به خط میخی برمبگردیم و خواهیم دید که سنگها ثابت کردند که وقایع هخامنشیان برحسب تاریخ بوقوع پیوستند.

(۱۸۴۴-۱۹۱۸)

استاد علوم دینی دانشگاه در صدد بود که ثابت کند که موسی نویسنده تورات نبود. ادعا میکرد که تمام کتاب مقدس غیر قابل اعتماد میباشد. میگفت که نویسنده کتاب دانیال نبی خود دانیال نبود و بلکه شخصی در قرن دوم قبل از میلاد آنرا نوشته بود تا یهودیان آن زمان را تشویق کند که با رومیان بجنگند. دلیلش این بود که دانیال در قرن ششم قبل از مسیح نبود؟ میگفت که آلت موسیقی قیثور که در باب سوم کتاب دانیال ذکر شده، آلت موسیقی یونانی بود و غیر ممکن بود نوازنده آن در قرن ششم در زمان سلطنت بخت النصر، پادشاه بابل باشد!

باستان شناس معروفی

برای کشف دانش قدما در اوایل قرن بیستم به بابل که در کنار رود فرات در قسمت جنوبی عراق است برای حفاری رفت. یکی از کارگرانش گانگش به سوراخی فرو رفت. آقای کلدوی را صدا کردند. سوراخ را کمی بزرگتر کردند. متوجه شدند سقف اطاقی را شکافته اند آقای کلدوی داخل آن شد و آن را مملو از نوشته هائی با حروف میخی یافت. آقای کلدوی از این کشف بسیار خوشحال بود ولی پس از مطالعه تعدادی از آن کتیبه ها چنین دریافت که آنان رسید کارمزدهائی بود که بکارگران آنزمان داده شده بود ولی آقای کلدوی معیوس شده آنان را برای موزه لندن فرستاد و مدت ۵۰ سال کسی به آن کتیبه ها توجهی نداشت.

جوانی در دانشگاه لندن تحصیل باستانشناسی میکرد. میخواست خط میخی را

یاد بگیرد. سپس به مدیر موزه لندن رفت و پرسید «آیا در موزه چیزی دارید که بتوانم خواندن خط میخی را تمرین کنم و یاد بگیرم؟» مدیر کمی فکر کرد و گفت: «البته. فردا بیا و هر چه خط میخی بخواهی بدستت میسپارم.»

روز بعد دانشجو به موزه رفت و مدیر او را به گوشه ای راهنمایی کرد. میز، صندلی، چراغ همه آماده بودند و یک کیسه از کتیبه های بابل که کلدوی فرستاده بود در آنجا وجود داشت. مدتی را در آنجا به تحصیل و تمرین گذرانید تا آنکه موفق بیاد گیری آن نوشته ها شد. در آن نوشته ها به مطلبی برخورد که چنین نوشته بود: «پنج گوسفند به نوازنده قیثور.» همان آلت موسیقی یونانی بود که ولحاوزن گفته بود محال بود در زمان بخت النصر در بابل پیدا شود. ولحاوزن، دکتر الاهیات بکلی شکست خورده بود و سنگها بصدای بلند فریاد بر آوردند که نوشته های کتاب مقدس صد در صد صحیح و قابل اطمینان میباشند.

دوستان عزیز، سنگها یکی بعد از دیگری پیدا میشوند تا اهمیت و قدرت خداوند در نگهداشت نسخ پیغامش که بوسیله انبیا به نوع بشر رسانیده است ثابت شود. ساعتها میتوان از این قبیل کشفیات را برایتان بازگو کنیم که چگونه بسیاری در اختفای کلام خدا کوشیده اند ولی آخر خجول مانده اند. باشد که شما جزء گمراهان نباشید.

چنانچه تمایل به دریافت یک نسخه ای از کتاب مقدس دارید بما تلفن کنید یا بنویسید که تقدیم خواهد شد.

برنامه بعدی ما راجع به وظیفه انسان می باشد. هر فردی مسؤلیتی دارد.
باشد تا همه ما بتوانیم دریابیم وظیفه انفرادی ما چیست.